

■ علل و پیامدهای شکل‌گیری پدیده کشف

حجاب در دوره پهلوی

امیر مسعود شهرام نیا | انجمنه سادات زمانی

■ چکیده

رضاشاه، مدعی بود که وقتی مردم لباس متحدالشکل بپوشند و کلاه پهلوی بر سر گذارند و نسبت به اعتقادات دینی سست شوند، متمدن خواهند شد. براین اساس، به ستیز با تمادهای سنتی و دینی، نظیر لباس و پوشاک سنتی پرداخت.

رضاشاه، فکر متمدن شدن ایران را از آغاز سلطنت خود در سر می‌پروراند و متحدالشکل کردن لباس در سال ۱۳۰۷، و نوع پوشش اعضای خانواده شاه، مؤید این واقعیت بود. اما سفر ترکیه این تلقی را تقویت کرد و رضاشاه بعد از مسافرت ترکیه از رفع حجاب زنان و آزادی آنها صحبت کرد. در ۱۷ دی ۱۳۱۴ کشف حجاب به صورت علنی اعلام شد. انتشار این خبر موجب تشدید واکنش‌های اجتماعی شد.

در این مقاله، تلاش بر این است که به این سؤال پاسخ داده شود که علل، زمینه و پیامدهای کشف حجاب در ایران چیست؟ پاسخ به این سؤال براساس این فرضیه ارائه می‌شود که به دلیل مقاومت زنان و روحانیون در برابر رژیم، کشف حجاب در ایران به نتیجه نرسید. بنابراین، در پژوهش حاضر، تلاش بر ریشه‌یابی مقوله کشف حجاب است. ابتدا، به ریشه‌های کشف حجاب در ایران پرداخته می‌شود و در ادامه به نتایج و پیامدهای آن اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

کشف حجاب / رضاشاه / علیها

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه استاد: سال بیستم و سوم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۲)، ۸۵-۶۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۷ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۱

علل و پیامدهای شکل‌گیری پدیدهٔ کشف حجاب در دورهٔ پهلوی

امیر مسعود شهرام نیا^۱ | انجمنه سادات زمانی^۲

مقدمه

حجاب، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در دین اسلام وجود دارد و بر روی آن تأکید زیادی شده است. «حجاب» در لغت به معنای پرده، حاجب، پوشیدن، و پنهان کردن است. این واژه، تنها به معنای پوشش ظاهری یا پوشاندن زن نیست و در اصل به مفهوم پنهان کردن زن از دید مرد بیگانه است. کلمهٔ «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) است که اهل لغت تعاریف مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. برخی گفته‌اند: «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۸۶).

بنابراین، تعریف حجاب آن چیزی است که به واسطهٔ آن چیزی از چیزی در حجاب قرار گیرد. روشن است که نباید در تعریف چیزی از خود آن امر یا مشتقات آن استفاده کرد تا مصادره به مطلوب رخ ندهد؛ اما در اینجا، برای روشن شدن معنای حجاب از فعل آن (حَجَبَ) استفاده شده است، پس بهتر آن است که گفته شود: «الحجاب کلّ ما حالّ بین شیئین» (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۴)، یعنی: هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است.

امروزه، نزد عامهٔ مردم آن معنایی از حجاب که بیش از همه به ذهن می‌آید و مورد استعمال است، همان معنای فقهی حجاب می‌باشد. یعنی حجاب به معنای پوشش خاص زنان که همهٔ بدن را به‌جز صورت و دو دست از نامحرمان بپوشاند و حکم آن در شرع مقدس اسلام «وجوب» است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۶۴). حجاب، فقط در دین اسلام مطرح

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

m_shahramnia@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد

علوم سیاسی دانشگاه اصفهان



نیست؛ بلکه در ادیان مسیحی و یهودی هم وجود دارد، ولی در اینجا حجاب در اسلام مدنظر است.

یکی از مسائلی که مخالفان بر آن پافشاری و اصرار ورزیده‌اند، رواج بی‌حجابی و برداشتن چادر و روسری از سر زنهاست. مخالفان، حجاب را نوعی زندان برای زن می‌دانند. مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین مسائلی که غربی‌ها و مخالفان حجاب به دنبال آن هستند، مسئله آزادی زنان است. مخالفان حجاب سعی کردند با استناد به اینکه حجاب مخل آزادی زنان است، بی‌حجابی را رواج دهند؛ اما از دید مردان مسلمان نه حجاب امری صلب و سخت برای زنان محسوب می‌شد و نه زنان محجبه حجاب را مانعی برای آزادی خود می‌دیدند، بلکه آن را یک منفعت و حسن به حساب می‌آوردند (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۱۴). در ادامه بحث سعی می‌شود این پدیده به طور مفصل بررسی شود.

چگونگی پیدایش واقعه کشف حجاب

۱. سابقه و چگونگی پیدایش حجاب در اسلام و ایران

۱.۱. پیشینه حجاب در صدر اسلام

زنان در قبل از اسلام حجاب داشتند اما با ورود اسلام به سرزمین عربستان تحول عظیمی در مورد حجاب رخ داد و آیات و روایات فراوانی در این باره بیان شد. از جمله: خداوند در سوره نور فرموده است: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۲۱) و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا افرادی که تمایل به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که برپای دارند به گوش رسد) و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید:



در این آیه ابتدا به زنان با ایمان همچون مردان با ایمان توصیه می‌کند تا نگاه‌های خود را کنترل نموده، دامان‌شان را نیز حفظ نمایند (آیه ۳۱ نور). ما نیز در مسئله وضعیت حجاب در صدر اسلام، با استناد به قرآن و آیات نورانی، آن را بررسی می‌کنیم. آنطور که از تاریخ استناد می‌شود قبل از نزول آیات، مسلمانان ملزم به رعایت حجاب نبودند؛ اما با نزول آیاتی که به صراحت دستور به رعایت حجاب می‌داد تمام مسلمانان حجاب را رعایت می‌کردند.

آیه دیگر که به این موضوع می‌پردازد آیه ۵۹ سوره احزاب می‌باشد خداوند در این آیه می‌فرماید: «ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۲۵) و در این آیه هم خداوند زنان پیامبر و مؤمنان دیگر را به رعایت حجاب و پوشانیدن بدن و سرگردن امر می‌کند و باز این امر چیز اخلاقی و اختیاری نیست بلکه یک امر اجباری برای زنان می‌باشد. روایات و شواهد دیگری از این آیه در صدر اسلام موجود است که همگی نشانگر رعایت حجاب توسط زنان می‌باشد. به‌عنوان نمونه در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا (س) وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم (ص) بروند از پوشش‌های خاصی مثل چادر و روپوش صورت استفاده می‌کردند. در جریان داستان غم‌انگیز غصب فدک آن حضرت با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان شکل خاص حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است: «لانت خمارها علی راسها و اشمملت بجلبابها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها نطا ذیولها» «آن حضرت هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی به مسجد حرکت نمودند» (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۸). زنان هم در پیروی از حضرت زهرا (س) با حجاب بیرون می‌رفتند و ایشان را الگوی خود قرار می‌دادند.

پیروان ادیان دیگر هم که در میان مسلمانان زندگی می‌کردند، لازم بود قوانین ظاهری اسلام را در اجتماعات و کوچه و بازار مسلمانان رعایت کنند، از جمله حجاب اسلامی که زنان ملزم به رعایت آن بودند. از این گذشته، ادیانی که در میان مسلمانان زندگی می‌کردند، مثل یهودی و مسیحی، خودشان قائل به حجاب زن بودند و همان‌طور که گفته شد قبل از اسلام هم حجاب را رعایت می‌کردند (دورانت، ۱۳۶۳، ص ۳۰).



۲. حجاب در ایران

مسئله کشف حجاب در ایران، همزمان با آشنایی ایرانیان با علم و تجدد غرب مطرح شد، و نخستین تأثیرپذیری از غرب، در نتیجه جریان تجددطلبی و غرب‌گرایی در شکل پوشش ایرانیان از دوره ناصرالدین شاه آغاز شد. در این دوره، اعزام دانشجویان برای تحصیل به غرب، باعث آشنایی آنها با تفکرات جدید غرب شد و در هنگام بازگشت از غرب خواستار اجرای این تفکرات در ایران شدند و زمینه را برای بی‌حجابی در ایران فراهم کردند.

در دوره حکومت رضاشاه، با رسیدن اخبار از کشورهای ترکیه و افغانستان، در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳، موضوع کشف حجاب جدی‌تر شد و در تهران سخن از انجمن ضدحجاب به میان آمد. در چنین فضایی، به نظر می‌رسد کشف حجاب در ایران آغاز شد و رضاشاه تحت فشار کشورهای خارجی، کشف حجاب را در برنامه‌های خود قرار داد و سعی کرد حجاب را از میان بردارد و زنان را از محیط خانه بیرون آورد و به کارخانه‌ها و انجمن‌ها و گردشگاه‌ها بکشاند. اجرای کشف حجاب، در ۱۷ دی ۱۳۱۴، با فشار هرچه تمام‌تر و با زور شهربانی آغاز شد و چند سال مداوم ادامه داشت. نقشه کشف حجاب را کسانی طراحی کردند که رضاشاه را به قدرت رسانده بودند و قرار بود وی معجزی آن باشد، چنان‌که همفر در خاطرات خود می‌نویسد: «در مسئله بی‌حجابی زنان باید کوشش فوق‌العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند» (مدنی، ۱۳۷۷، ص ۸۴).

اهمیت واقعه کشف حجاب، به عنوان نماد و نشان استیلای فرهنگ غرب، در دوره‌ای از تاریخ ایران بر کسی پوشیده نیست. روشنفکران تجددگرایی ایرانی، از زمان آشنایی با تمدن غرب، از حیث فرهنگی کوشیدند با تقلید از غرب، خود را به عالم تجدد وارد کنند و عده‌ای از آنها، با دیدگاه‌های ساده‌انگارانه، نوع لباس و پوشش سنتی ایرانیان را مانع پیشرفت کشور می‌پنداشتند و تصور می‌کردند که پیروزی غربی‌ها به دلیل همین ظواهر بوده است. بنابراین، گروه گسترده‌ای از روشنفکران متجدد، برای مبارزه، به منظور تغییر نوع لباس و پوشش سنتی ایران، زمینه را برای کشف حجاب فراهم کردند. مهم‌ترین هدف رضاشاه در زمینه کشف حجاب، ویران کردن سنت‌های دینی و ملی بود که سبب شد ایرانیان هویت گذشته خود را از دست بدهند. طرفداران رضاشاه، با تمام وجود، به یاری وی شتافتند تا بتوانند حجاب را به طور کامل از بین ببرند.

بنابراین، کشف حجاب در این دوران، از یک‌طرف مقطع مهمی در اجرای برنامه‌های



شاه محسوب می‌شد و از طرف دیگر، سخت‌گیری‌هایی که نسبت به زنان محجبه در سطح جامعه اعمال می‌شد، باعث شد که مشارکت سیاسی زنان را در جامعه کاهش دهد و مخالفت آنها را برانگیزد.

راه‌های ورود پدیده کشف حجاب به ایران

پدیده کشف حجاب تحت تأثیر چهار عامل به ایران رسید، که در زیر بررسی می‌شود:

۱. نشر افکار خارجی در ایران: نشر افکار اروپایی در ایران از راه‌های مختلفی صورت گرفت. ایرانیانی که به نوعی شیفته غرب بودند، این اندیشه را در میان هموطنان خود مطرح کردند. مسیرهای ورود این افکار ایجاد مدارس نوین به خصوص مدارس نسوان بود.
۲. تأثیرپذیری از کشورهای عربی: دومین مسیر، افکار و تجربه‌هایی است که از طریق کشورهای عربی وارد ایران می‌شدند. البته، این افکار، برگرفته از افکار اروپایی است که در محیط‌های اسلامی و دینی کشورهای عربی بازخوانی اسلامی و پس از آن وارد ایران شد.
۳. تأثیرپذیری از ترکیه: سومین مسیر، افکار و تجربه‌هایی است که از ترکیه نوین به ایران می‌رسید. جدای از تأثیرپذیری رضاشاه از تحولات ترکیه، از زمانی که افکار جدید در ترکیه شکل گرفت و تجددگرایی رواج یافت و تجددگرایان به قدرت رسیدند، اخبار آن به داخل ایران رسید. با سفر رضاشاه به ترکیه، در سال ۱۳۱۳، و اعلام دستور کشف حجاب در سال ۱۳۱۴، این مسئله تقویت شد که تحولات مربوط به مدرنیزه کردن ایران همان مسیری را دنبال می‌کند که ترکیه آن را تجربه کرده است.
۴. نشراندیشه‌های نوین از مسیر هند: چهارمین مسیر، نشراندیشه‌های نوین از طریق هند به ایران است. نمونه روشن آن نشریاتی مانند *حبل‌المتین* است که در آن مقاله‌های متعددی درباره لزوم کشف حجاب به معنای خاص آن نوشته شده است (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۹-۴۰).

مراحل توسعه بی‌حجابی در ایران

کشف حجاب در ایران، از زمان قاجارها، به خصوص دوره ناصرالدین‌شاه آغاز شد و در دوران پهلوی به طور رسمی مطرح شد. در زیر به طور مفصل به این دوران پرداخته می‌شود.

۱. کشف حجاب قبل از رضاشاه

آشنایی تجددطلبان ایرانی با مظاهر تمدن غرب این فکر را در آنان به وجود آورد که زنان نیز می‌توانند در جامعه مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی برعهده گیرند. یکی از این زمینه‌ها حق تساوی حضور زن و مرد در اجتماع بود. براین اساس، یکی از مسائلی که تجددگرایان در مواجهه با فرهنگ و آداب و رسوم غربی سخت به آن توجه نشان دادند شکل لباس‌های

مردان و کشف حجاب زنان بود (صلاح، ۱۳۸۴، صص ۶۰-۶۱).

نخستین تأثیرپذیری از غرب، در نتیجه جریان تجددطلبی و غرب‌گرایی، در شکل پوشش ایرانیان، از دوره ناصرالدین شاه آغاز شد. در این دوره، رفت‌وآمد هیئت‌های اروپایی به دربار ایران برای عقد قراردادهای سیاسی - نظامی، سبب شد دربار ایران به تدریج، با تحولات سیاسی، نظامی، و اجتماعی اروپا آشنا شود. جالب این است که فرانسوی‌ها در کنار بهره‌گیری از فناوری‌های خود در افزایش نفوذ در ایران چند خیاط فرانسوی را به دربار قاجار اعزام کردند تا برای شاهزادگان قاجار لباس‌های اروپایی و متفاوت با جامعه ایرانی بدوزند. مقدمه دگرگونی پوشش زنان در دوره ناصرالدین شاه، به دنبال مسافرت وی به اروپا فراهم شد. سفر شاه به اروپا و مشاهده بالرین‌های سن پترزبورگ در روسیه و طرز لباس آنها وی را بر آن داشت که پس از بازگشت به ایران زن‌های حرمسرای خود را به لباس آنها درآورد. اما نبود شرایط مساعد برای عمومی کردن این رفتار سبب شد این فضا فقط تا حدودی در داخل دربار ایجاد شود. زمینه تغییر در پوشش خارج از منزل زنان با تأسیس مدارس دخترانه در سال ۱۲۸۲ق. از سوی اروپائیان فراهم شد (صلاح، ۱۳۸۴، صص ۷۰-۷۶). در این مدارس، نوعی توجه به شیک‌پوشی و تقلید در میان دختران و زنان به چشم می‌خورد (ملک، ۱۳۶۷، ص ۵۹). تحول اساسی که تا این زمان در میان زنان ایرانی رخ داده بود، قرار گرفتن روبند به جای نقاب بود (صلاح، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

نخستین زن بی حجاب در تاریخ معاصر ایران «طاهره قره‌العین» بود. زنی که در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده بود، ولی پس از ورود به فرقه بهائیت به تبلیغ بهائیت پرداخت. می‌توان به درستی ادعا کرد که سنگ بنای کشف حجاب را قره‌العین با حمایت فرقه بهائیت ایجاد کرد (واحد، ۱۳۶۱، ص ۱۳). انجمن‌های فراماسونری و غرب‌زدگان نیز آن را دنبال کردند. برخی اندیشمندان مشروطه، که کم‌وبیش با فرهنگ غرب آشنا بودند و با شعار «حجاب‌زدایی» تنها راه رهایی زن را از عقب‌ماندگی رفع حجاب عنوان می‌کردند، باعث شدند که قبل از تغییر سلطنت قاجار به پهلوی زمینه برداشتن چادر نیز فراهم شود. همچنین، با آغاز نهضت مشروطیت، از آنجاکه برخی نظریه‌پردازان آن غربگرا بودند، در پیشبرد این جریان تلاش بیشتری صورت پذیرفت. این وضعیت، کم و بیش تا پایان دوره قاجار ادامه داشت.

۲. سفر رضاشاه به ترکیه

در زمان رضاشاه، برخی روشنفکران پشتوانه فکری لازم جهت تحولات و اصلاحات پهلوی اول را فراهم کردند؛ به این ترتیب، در چند سال نخست سلطنت رضاشاه، تبلیغات بر ضد حجاب را به اوج رساندند، برای مثال، در روزنامه *ایران جوان*، که اعضای آن را



عده‌ای جوانان فرنگ‌دیده و از اروپا برگشته تشکیل می‌دادند - و بعدها امور حساس مملکت را در دست گرفتند - مبارزه پیگیر و شدیدی را برضد حجاب با عنوان «نامه‌های بانوان» آغاز کردند. شاه، در خرداد ۱۳۱۳، جهت دیدار از کمال آتاتورک، وارد ترکیه شد. آتاتورک، برای غربی کردن این سرزمین دست به اقداماتی زده بود، از جمله الفبای خط ترکی را به لاتین تبدیل کرد و تعطیلی جمعه را به روز یکشنبه آورد.

رضاشاه، در تنها سفر خارجی خود به ترکیه، در ۱۳۱۳، با سیاست‌های اسلام‌زدایی آتاتورک آشنا شد و بیش از پیش مجذوب وی گردید؛ به گونه‌ای که در سخنان خود چنین گفت: «به واسطه برداشتن خرافات مذهبی در مدت سلطنت من، هر دو ملت بعد از این، با یک روح صمیمیت متقابل دست در دست هم داده و منازل سعادت [و] ترقی را طی خواهند کرد» (هدایت، ۱۳۷۲، ص ۴۰۴).

تأثیر سفر رضاشاه به ترکیه به قدری بود که وی پس از سفر، به مستشارالدوله صادق، سفیر کبیر ایران در ترکیه گفت: «هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم» (مکی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۷). صدرالاشراف نیز در خاطرات خود از تأثیر سفر ترکیه بر رضاشاه یاد کرده و نوشته است: «رضاشاه پس از مسافرت به ترکیه در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع ترکیه از رفع حجاب زن‌ها و آزادی آنها صحبت و تشویق می‌کرد» (۱۳۶۴، ص ۳۰۲). به نظر می‌رسد رضاشاه، در مدت اقامت خود در ترکیه، به شدت تحت تأثیر ظاهر ترکیه قرار گرفت و در بازگشت از ترکیه دست به ایجاد تحولات اساسی عمیقی در زمینه اوضاع اجتماعی زد که اصل برجسته آن رفع حجاب و آزادی و شرکت دادن زنان در کارهای اداری و اجتماعی بود (اعظام قدسی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۷۹).
به گفته حسن ارفع «مصلح ایرانی به دیدار همتای ترکش آمده بود تا بیاموزد و با دیدار از یک کشور پیشرفته‌تر، از پیشرفتی که در ترکیه حاصل آمده بود، بهره فراوان برد و پس از بازگشت بی‌درنگ دست به کار شد تا آنچه را در آنجا آموخته بود، به کار گیرد» (اتابکی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰). یحیی دولت‌آبادی نیز نوشته است: «از آنجاکه آتاتورک دعوت متقابل را پذیرفته بود، رضاشاه می‌خواست تا زمان بازدید او، ایران را با چنان سرعتی مدرن سازد که آتاتورک عقب‌ماندگی نسبی ایران را مشاهده نکند» (اتابکی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). براین اساس، اعمال زور و خشونت در اجرای برنامه کشف حجاب لازم شد.

۳. اعلام رسمی کشف حجاب

در ۱۷ دی، قانون کشف حجاب زنان، به طور آشکار و رسمی اعلام شد. بنابراین، زمان آن رسیده بود که برخلاف مقاومت‌های مردمی، برای بالا بردن سرعت عمومی کردن



کشف حجاب، خانواده سلطنتی جدی تر وارد عمل شوند و رضاشاه به طور علنی و رسمی کشف حجاب را اعلام نماید. این برنامه، در دانشسرای مقدماتی، ضمن اعطای دیپلم به فارغ التحصیلان با حضور بی حجاب خانواده سلطنتی و حاضران اجرا گردید. در فاصله سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۴ اقدامات وسیع تبلیغاتی به منظور آماده ساختن افکار عمومی برای کشف حجاب انجام گرفت. جشن‌ها و مجالس سخنرانی متعددی در این زمینه در پایتخت و دیگر شهرها برپا شد (مدنی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۷). در بهمن ۱۳۱۳، که دانشگاه تهران افتتاح شد، به دختران دستور دادند با پوشش غیراسلامی (بدون حجاب)، به تحصیل مشغول شوند تا در آینده‌ای نه‌چندان دور پیشستاز نهضت کشف حجاب گردند. در نشریات نیز مقاله‌هایی درباره پند و اندرز و انتقاد از حجاب به چاپ رسید. اما این قبیل اقدامات و برنامه‌ها پیشرفت چندانی نداشت و بیشتر مردم نه تنها استقبالی از آن به عمل نیاورند، بلکه با دیده تحقیر به آن نگرستند. رضاشاه، در قسمتی از سخنان خود در روز ۱۷ دی اظهار کرد: «تاکنون نصف جمعیت کشور به حساب نیامده و خانم‌ها را از هرگونه حقی محروم کرده... در صورتی که صرف نظر از وظایف مادی می‌توانند دوشادوش مردها خدماتی را عهده‌دار باشند» (صلاح، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲).

کانون بانوان نیز در اردیبهشت ۱۳۱۴، تحت نظارت وزارت معارف، و به ریاست شمس پهلوی، تأسیس شد. در این کانون، اشخاصی نظیر صدیقه دولت‌آبادی، فاطمه سیاح، بدرالملوک بامداد، هاجر تربیت، فخرالزمان غفاری بایندر، و پری حسام‌شهبیدی فعالیت داشتند. این کانون، موظف بود که مجالس مختلف سخنرانی برگزار کند و از اشخاص معروف دعوت نماید تا برای حضار راجع به مقام زن و مرد سخنرانی کنند. در تعقیب این سیاست، به وزارت معارف دستور داده شد که در مدارس کشور، مجالس جشن و سرور و خطابه، با روی باز و بدون حجاب، برگزار شود و نیز تصمیم گرفته شد مدارس ابتدایی تا سال چهارم به صورت مختلط توسط زنان اداره گردد (صفایی، ۱۳۶۵، صص ۱۰۲).

در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴، جشنی از طرف علی اصغر حکمت، که خود نقش فعال و مؤثری در این ماجرا داشت، در دانشسرای مقدماتی و در حضور رضاشاه برپا شد. در این جشن، همسر و دختران او و جمعی از همسران وزیران و وکلا، بدون حجاب، شرکت داشتند (حکمت، ۱۳۵۵، ص ۹۰) و شاه، طی نطقی همه زنان را به عدم استفاده از حجاب تشویق و اعلام کرد که تاکنون نیمی از جمعیت کشور به حساب نمی‌آمدند، زیرا در پرده بسر می‌بردند (گرامی، بی تا، ص ۲۶). او، همچنین افزود که نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست و زن روحاً و اخلاقاً باید عقیف باشد. رضاشاه، در این مراسم، خطاب به فارغ التحصیلان گفت: «بی‌نهایت مسرورم که می‌بینم خانم‌ها در نتیجه دانائی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده و پی به حقوق و مزایای خود



برده‌اند. ما نباید از نظر دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی‌آمد و نصف قوای عامله مملکت عاطل بود... شما خانم‌ها این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت‌هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمائید» (مکی، ۱۳۶۲، صص ۲۵۸-۲۵۹).

با این اقدام رضاشاه، پروژه کشف حجاب، به طور رسمی آغاز شد. کشف حجاب در ایران، مستلزم زمینه‌سازی فرهنگی و در ادامه قدرت اجرایی بود که در زمان رضاشاه زمینه‌های آن مهیا شد. با آنکه زمزمه تغییر حجاب از سال ۱۳۰۷ و همزمان با قانون متحدالشکل کردن لباس‌ها مطرح شد؛ این قانون، به دلیل حساسیت جامعه در آن سال، جدی گرفته نشد و حالت غیررسمی به خود گرفت تا در سال ۱۳۱۴ عملی شد. حکومت، که از حساسیت موضوع آگاه بود، برای آنکه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را فراهم کند، علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف را به عنوان عامل اصلی اجرای این سیاست، در سال ۱۳۱۳ برگزید. اقداماتی که حکمت برای بسترسازی در این زمینه انجام داد عبارت‌اند از:

۱. ایجاد قانون بانوان؛
۲. تشکیل مجالس وعظ و خطابه؛
۳. انتشار سلسله مقالات نظم و نثر در جراید؛ و
۴. اداره مدارس ابتدایی تا سال چهارم به صورت مختلط توسط زنان (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵).

رضاشاه، همچنین معتقد بود که حجاب دشمن تمدن و ترقی است و موجب شده که نیمی از افراد جامعه در کار و تلاش حضور نیابند (حکمت، ۱۳۵۵، ص ۸۸). رضاشاه، از همان سال‌های نخست حاکمیت در پی این امر بود. اما سفر به ترکیه در سال ۱۳۱۳، این نگرش را تقویت کرد. مخبر السلطنه می‌گوید: «فکر تشبه به اروپایی‌ها از آنجا (ترکیه) بسر پهلوی آمد» (۱۳۷۵، ص ۳۰۲). رضاشاه، پس از بازگشت از ترکیه زنان را به کشف حجاب و مردان را به پوشیدن لباس متحدالشکل مجبور ساخت. مهم‌ترین راهبردهای رژیم در نهادینه ساختن کشف حجاب عبارت‌اند از:

- پیش قدم شدن رجال دولتی؛
- برگزاری مراسم دولتی در سراسر کشور و الزام افراد و گروه‌ها به شرکت در مراسم؛
- تبلیغ و ترویج بی‌حجابی از راه‌های متنوع فرهنگی، هنری، و ادبی؛
- ایجاد محدودیت برای زنان محجبه؛
- کاربرد زور و تهدید و تنبیه برای اجرای قانون کشف حجاب؛ و
- تشویق افرادی که داوطلبانه تن به قانون کشف حجاب دهند (سازمان مدارک فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).



۴. تلاش برای نهادینه سازی بی حجابی و واکنش علما و مردم

حکومت توانست با گذر از سد نیروهای مذهبی، با آرامش خاطر بیشتری، از دی ماه سال ۱۳۱۴، با خشونت تمام در شهرهای مختلف ایران بی حجابی را گسترش دهد (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶). حکومت در مقابل پدیده کشف حجاب، با واکنش‌هایی مواجه شد:

- قیام مردم در مشهد به رهبری مراجع؛
- عدم شرکت مردم در مجالس و جشن‌های دولتی؛
- عدم خروج بانوان از منزل؛
- ننگارش نامه‌های اعتراض آمیز و تلاش در جهت ایجاد اعتراض عمومی؛ و
- تنوع بخشیدن به پوشش به نوعی که کارکرد حجاب را نیز داشته باشد (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۲۵-۴۳).

اما پدیده کشف حجاب همزمان دارای دو پیامد بود. نخست، برداشتن پوشش از سر و رو؛ و دوم از بین بردن جدایی میان زن و مرد (desegregation). اما به نظر می‌رسد که پدیده دوم یعنی اجبار دولت در اختلاط زنان و مردان در مکان‌های عمومی، بیشتر مورد نفرت قشرهای گوناگون جامعه قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ص ۱۷۴). در واقع، سیاست کشف حجاب رضاشاهی، در بردارنده دو بعد همزمان بود که بیشتر اوقات فقط درباره یکی از آنها یعنی رفع پوشش حجاب، اظهار نظر شده و دیگری، یعنی تعمد رژیم در مرآده و اختلاط زنان بدون پوشش و مردان در رستوران‌ها و هتل‌ها و سایر مکان‌ها، مورد غفلت واقع شده است؛ درحالی‌که، این بعد دارای اهمیت زیادی است. در تحمیل اجباری رفع پوشش از زنان، زن بدون حجاب نماد گذار از توحش به تمدن است. از این رو، کشف حجاب را می‌توان اقدامی مشابه دیگر اقدامات پروژه مدرنیزاسیون ارزیابی کرد که بیش از آنکه آزادی زنان را در نظر گیرد هدف از آن هنجارسازی و مدرن‌سازی مظاهر جامعه است (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

بنابراین، تحمیل پدیده کشف حجاب، حتی اگر با هدف آزادسازی زنان همراه بود؛ باعث ایجاد شکافی عمیق میان زن سنتی و زن مدرن شد و دوگانگی‌هایی را به وجود آورد که بخش زیادی از جامعه را از نخبگان سیاسی جدا کرد (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

محمد رضا شاه در کتاب *مأموریت برای وطنم* می‌نویسد: «تا آنجایی که اطلاع دارم این اولین بار بود که در تاریخ ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می‌کردند و پر واضح است که موفقیت در این آزمایش بزرگ، مرهون نیروی ابتکار پدرم و تا درجه‌ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه (حجاب زنان مسلمان) که مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور



بود قیام کنند... از این تاریخ به بعد، استفاده از چادر یا هر سرپوشی بجز کلاه‌های اروپایی ممنوع اعلام شد. زنان محجبه حق ورود به خیابان‌ها یا استفاده از وسایط نقلیه را نداشتند. کسبه نیز مجاز به فروش اجناس به زنان با حجاب نبودند» (آوری، ۱۳۶۷، ص ۲۷). زنانی که جرئت می‌کردند در مقابل این بی‌قانونی خشونت‌بار ایستادگی کنند، به شدت مورد حمله و بی‌حرمتی مأموران شهربانی قرار می‌گرفتند. شایان ذکر است که مأموران انتظامی مجاز بودند زنان محجبه را تعقیب نموده و به منزل آنها وارد شوند، صندوق‌های لباس آنها را تفتیش کرده و اگر چادر بیابند به غنیمت برده یا آن را پاره کنند. به علاوه، به وزارت معارف نیز دستور داده شده بود که در کلیه مدارس دخترانه، معلمان و دانش‌آموزان بدون حجاب باشند و در غیر این صورت به مدارس راه داده نشوند (صدر، ۱۳۶۴، ص ۳۰۲).

کلیه حکام ولایات نیز دستور داشتند از پذیرفتن زنان باحجاب که به ادارات مراجعه می‌کردند، خودداری کنند. اما از سوی دیگر، مطابق بخشنامه‌هایی که از طرف دولت صادر می‌شد، شهربانی موظف بود که در نهایت حفظ امنیت، از هر نوع بی‌احترامی به زنان بدون حجاب جلوگیری کند. شدت تبلیغات برضد حجاب چنان گسترده بود که بسیاری از زنان معتقد و مؤمن، که با مشکل منع استفاده از چادر مواجه بودند، منزوی شدند و تعداد قابل توجهی از عرصه کار و فعالیت فرهنگی و سیاسی و علمی دور ماندند. عده‌ای نیز بنا به ذوق و سلیقه خویش، با پوشیدن پالتو و مانتو و سرکردن چارقد و شال‌گردن یا استفاده از کلاه‌های بزرگی که تمام موهای آنها را در بر می‌گرفت، سعی می‌کردند حجاب اسلامی را حفظ کنند. اما دولت برای مقابله با این قبیل اقدامات نیز دستوری به شماره ۲۹۷۰ مورخ ۱۳۱۵/۳/۱۱ صادر کرد، مبنی بر اینکه از استعمال چارقد بانوان جلوگیری به عمل آید. اعمال کشف حجاب در شهرهای مذهبی با مشکلات بیشتری همراه بود. در شهر مقدس قم بانوان معلم تهدید به استعفا کردند. همچنین بسیاری از اهالی شهر، حتی پیش از ۱۷ دی که «روز آزادی زن و کشف حجاب» نام گرفت، به دلیل انتشار خبر برداشتن حجاب از رفتن دختران خود به مدرسه ممانعت به عمل می‌آوردند. اعلاناتی نیز از طرف مردم علیه حجاب‌زدایی بر دیوارهای شهر نصب شده بود. (گنجینه اسناد، ۱۳۷۰، ص ۱۰). حکمت، از افراط و تفریط بعد از مراسم ۱۷ دی یاد کرده است: «بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در تهران دو امر پیش آمد که یکی به حد افراط و دیگری به حد تفریط بود، از یک طرف بعضی زنان معلوم الحال به کافه‌ها و رقص‌خانه‌ها هجوم آوردند و همه در مرئی و منظر جوانان بوالهوس به رقص پرداخته و... از طرف دیگر مأمورین شهربانی و پلیس‌ها در تهران و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها در شهرها و قصبات مملکت به حسب دستور وزارت کشور مزاحم زنان شده و آنها را به اجبار وادار به کشف حجاب می‌کردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره می‌کردند» (صلاح، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

کشف حجاب، در سال‌های باقی مانده حکومت رضاشاه اجباری بود، و حجاب اسلامی مظهر عقب‌ماندگی شمرده می‌شد. به همین دلیل، برداشتن چادر از سر زنان، به اجبار، بخشی از وظیفه مأموران شهربانی شده بود. کشف حجاب، برخی از مفاسد اخلاقی را در جامعه در پی داشت و خشم بسیاری از مردم، به ویژه مذهبیون را برانگیخت. بسیاری از زنان، برای حفظ حجاب از منازل خارج نمی‌شدند و خود را در خانه حبس کردند. بسیاری نیز تلاش می‌کردند تا حجاب خود را در کوچه و خیابان، به دور از چشم مأموران، حفظ کنند. پس از سقوط رضاشاه، ظاهراً قید اجبار از کشف حجاب برداشته شد؛ اما مطبوعات حکومتی همچنان در ستایش اقدام رضاشاه قلم می‌زدند و دربارهٔ مظاهر «تمدن» و «تجددخواهی» و «عقب‌نماندن از پیشرفت اروپایی‌ها» مطلب می‌نوشتند.

۵. برخورد پهلوی دوم با کشف حجاب

پس از روی کار آمدن محمدرضاشاه، گروهی از زنان، که از فشار حکومت قبل به ستوه آمده بودند، در مخالفت با کشف حجاب در معابر عمومی با چادر ظاهر شدند و مأموران حکومتی هم با وجود قانون کشف حجاب، با آنان مقابله نمی‌کردند. در مهرماه ۱۳۲۰ آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی طی نامهٔ شدیدالحنی به نخست‌وزیر وقت خواهان کم کردن فشار بر زنان محجبه شد. در سال ۱۳۲۳ نیز آیت الله سید حسین طباطبایی قمی از مراجع وقت، نامه‌ای به شاه جدید نوشت و از وی خواست کشف حجاب اجباری را لغا کند. (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲) سرانجام، با مخالفت روحانیون و مقاومت مردم، قانون کشف حجاب لغو شد. پس از لغو قانون، بسیاری از زنان مسلمان به حجاب روی آوردند. اما برخلاف دورهٔ پیش از کشف حجاب، که زنان چادر و روبنده مشکی می‌پوشیدند، از این زمان به بعد، استفاده از چادر رنگی بیشتر متداول شد. البته، برخی زنان هم، که چند سال طعم آزادی به سبک غربی را چشیده بودند، دیگر حاضر به بازگشت به فرهنگ حجاب نبودند. در عین حال تلاش گستردهٔ دستگاه‌های فرهنگی دولت برای گسترش بی‌حجابی بیش از پیش ادامه داشت. به نحوی که می‌توان گفت مهم‌ترین تفاوت کشف حجاب در عصر پهلوی اول و دوم این بود که کشف حجاب در عصر رضاشاه به زور سر نیزه و در عصر محمدرضاشاه به پشتیبانی تبلیغات گسترش یافت (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳). محمدرضاشاه، با برنامه‌های حساب‌شده، تلاش کرد تا زنان را به بی‌حجابی و برهنگی تشویق نماید و از طریق رسانه‌های گروهی، مراکز آموزشی، ادارات، و سینماها در دین‌زدایی متمرکز شد. محمدرضاشاه، با این کار دو هدف را دنبال می‌کرد: نخست، رواج بی‌حجابی و بی‌عفتی؛ دوم نشان دادن چهرهٔ طرفدار حقوق زنان از خود. وی می‌خواست، با وارد کردن زنان به صحنه‌های اجتماعی، خود را مدافع حقوق

آنان جا بزند؛ درحالی‌که زنان نیز همانند مردان، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، مانند حق انتخابات آزاد محروم بودند (شیدائیان، ۱۳۸۳، ص ۳۵). به طور کلی، باید گفت: محمدرضاشاه [با ترویج] عشرت‌طلبی، مدگرایی، و تقلید از فرهنگ غرب، زمینه حضور گسترده غرب را از لحاظ فکری و فیزیکی در ایران فراهم کرد و همان‌گونه که رایت، نویسنده آمریکایی، بیان کرده در زمان محمدرضاشاه، آمریکایی‌ها در همه جای ایران حضور داشتند و ایران، در آن زمان، کشوری بود که برای زنان آمریکایی جاذبه داشت و گاهی خارجی‌ها بیشتر از ایرانیان احساس آسودگی می‌کردند (۱۳۸۲، صص ۱۲-۱۳).

سال ۱۳۵۵ اوج سیاست‌های ضد حجاب پهلوی به شمار می‌رود. در این سال رسماً دولت طرحی را در زمینه کشف حجاب تدوین کرد و بلافاصله بخشنامه آن را برای اجرا به ادارات مربوط ارسال نمود. به دنبال اعلام این سیاست نظام شاهنشاهی، جامعه اسلامی نیز واکنش مناسبی از خود نشان داد. اگر چه از سال ۱۳۵۴ به بعد تقریباً همه سازمان‌های مخفی و مبارز یا از بین رفته بودند یا به انزوا کشیده شده بودند. اما در همان زمان صدای اعتراض مردم در دی ماه ۱۳۵۶ (یک سال بعد از ابلاغ سیاست مزبور) از سوی اهالی قم بلند شد. این دستورالعمل که دو سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی صادر شد نه تنها نتوانست حجاب را در جامعه از بین ببرد بلکه موجب شد تا صف آرای در مقابل دولت آشکارتر و محکم‌تر از گذشته خود را نشان دهد. (نشریه ۱۵ خرداد، ۱۳۷۴، صص ۶۴-۶۵)

علل و زمینه‌های کشف حجاب

برخی عوامل داخلی و خارجی زمینه را برای کشف حجاب فراهم کرد. در این بخش به بررسی این عوامل می‌پردازیم.

۱. زمینه‌های بین‌المللی

شرایط جهان در قرن بیستم به گونه‌ای بود که اروپایی‌ها، به دلیل دستیابی به توسعه، در پی گسترش فرهنگ خود به سایر نقاط جهان بودند و می‌خواستند فرهنگ غرب را بر جهان مسلط کنند در این میان انگلستان با وقوع جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب کبیر روسیه و شکست تزارها در موقعیت برتر قرار گرفت و به دنبال بحران‌های ناشی از جنگ و نیز بیم از گرایش جامعه فقر زده ایران به کمونیست می‌کوشید بر جهان مسلط شود و اوضاع مستعمرات برای این کشور اهمیت فراوانی داشت. کشورهای تحت سلطه و جهان سوم تأمین‌کننده اصلی مواد اولیه کارخانه‌ها و مصرف‌کننده اصلی تولیدات غرب بودند و از بین آنها ایران یکی از مناطق حیاتی تحت نفوذ انگلستان و شوروی در منطقه خاورمیانه بود که اغلب هر دو کشور ادعاهایی در مورد آن داشتند. بر اثر هرج و مرج و اغتشاش

به وجود آمده از انقلاب اکتبر و برکناری خاندان تزار در شوروی، تا حدودی از نفوذ این کشور در شمال ایران کاسته شد و فرصت مناسبی برای انگلستان پیش آمد تا نفوذ خود را در ایران گسترش دهد. اگر انگلستان می توانست اقداماتی در ایران به نفع خود انجام دهد، هم منافع شرکت های تجاری خود را تأمین می کرد- یعنی بازار ایران در اختیار تولیدکنندگان انگلستان قرار می گرفت- و هم در رقابت های بین المللی، سایر رقیبان خود را از مداخله در این منطقه حیاتی منع می کرد که پیروزی بزرگی برای انگلستان بود.

هدف اصلی سرمایه داری غرب، استفاده از منابع سرشار طبیعت و بهره برداری بهینه از بازار ایران بود. بنابراین، از هرگونه تغییری برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود استقبال می کرد؛ به طور مثال، حضور علنی زنان در جامعه و گسترش مصرف گرایی در بین آنها تا حدودی خواسته های این کشور را محقق می ساخت. با ایجاد وضع جدید در ایران، تولیدکنندگان اجناس لوکس، تبلیغات وسیعی را برای به دست گرفتن این بازار آغاز کردند که جریان کشف حجاب را در ایران سرعت می بخشید. با ایجاد فرهنگ مصرفی غرب در ایران، توازن اقتصادی این کشور بهم می خورد و تناسب بین میزان واردات و صادرات کالا از بین می رفت. مصرف مداوم کالاهای خارجی، سبب گرایش عمومی به سوی غرب می شد و هر مصرف کننده، در گذر زمان، به مصرف این نوع کالاها عادت می کرد و همیشه به صورت منبعی سودآور برای غرب باقی می ماند.

برای رسیدن به اهداف گفته شده، باید اصلاحاتی در مناطق تحت نفوذ، مثل ایران، انجام می شد که ورود زنان به صحنه فعالیت های اجتماعی از جمله آنها بود. با تحقق این هدف، و ایجاد فرهنگ مصرفی و نیازهای کاذب به کالاهای لوکس و تجملی، در ایران، بازار عظیمی برای فروش محصولات غربی ایجاد می شد و با گذشت زمان استفاده از کالاهای غربی در ایران رواج می یافت. این برنامه باید به صورتی اجرا می شد که دو هدف عمده را تأمین کند: ۱. سودرسانی به صنایع تولیدی غرب؛ و ۲. دور کردن مردم از فرهنگ گذشته خود، زیرا تا زمانی که مردم به آداب و رسوم سنتی خود پایبند باشند امکان گرایش به سوی غرب و پذیرش فرهنگ بیگانه ممکن نیست (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۱۸-۲۱). عوامل بیان شده سبب شد غرب و به ویژه انگلستان، برای اجرای سیاست کشف حجاب در ایران تلاش کنند؛ زیرا رواج بی قیدی در قالب طرح کشف حجاب بانوان، سبب هدر رفتن نیروهای جامعه و ایجاد بی حسی و بی تحرکی در سراسر ایران می شد و امکان تولید و نوآوری را در کشور پائین می آورد و در مجموع وضع مناسب تری را برای حفظ منافع غرب مهیا می ساخت (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۲۲-۲۳).

۲. زمینه‌های داخلی

با تشکیل سلطنت پهلوی، سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری بر ایران تقویت شد؛ ولی هنوز تعلقات فرهنگی و وابستگی جامعه ایران به ارزش‌های ملی و اسلامی به قوت خود باقی بود. رضاشاه، در امتداد سیاست‌های خود (تشدید سیر وابستگی به نظام بین‌المللی، که نظام سنتی جامعه ایران بزرگ‌ترین مانع درونی آن به حساب می‌آمد)، به اجرای طرح‌های مدرن روی آورد. در این دوران، در داخل ایران وضعی وجود داشت که او را هرچه بیشتر به اجرای این امر ترغیب و زمینه مساعدی را برای اجرای برنامه‌های او مهیا می‌کرد. یکی از طرح‌های مهمی که در دوران زمامداری رضاشاه به آن توجه فراوان شد کشف حجاب بانوان بود. هرچند اجرای این برنامه با سنن مذهبی ایرانیان ضدیت داشت، اما وضعیت جدید اجرای آن را ممکن کرد (حیدریان، ۱۳۷۹، ص ۲۳). برخی عوامل، در داخل کشور، نقش مهمی در طرح کشف حجاب داشت که در زیر به آنها پرداخته می‌شود.

۱.۲. تأثیر پذیری رضاشاه از کشورهای همسایه

مهم‌ترین عامل پیدایش و اجرای طرح کشف حجاب، سفر شاه به ترکیه بود. تا قبل از این سفر، زمینه‌های حضور زنان بدون حجاب در میان مردم آماده بود، اما تسلط هنجارهای اعتقادی و پایبندی به سنن و تعالیم مذهبی به قدری قوی بود که این تحولات را به قشرهای خاصی محدود می‌کرد و عموم افراد جامعه از همه طبقات و خانواده‌ها را در بر نمی‌گرفت. نکته مهم‌تر آنکه کشف حجاب، جنبه الزامی نداشت و هرکس بنا به خواست و سلیقه خود به سهولت می‌توانست با این سیر همراه شود یا خود را از این دگرگونی‌ها دور نگاه دارد و در پوشش گذشته خود باقی بماند. رضاشاه، از سال‌ها پیش، خواستار اصلاحاتی در ایران بود و هم‌شکل کردن لباس مردان و رفتار ناخوشایند با روحانیون مؤید این واقعیت است. گرچه رضاشاه فکر تجددگرایی را از اوایل سلطنت در سر می‌پروراند، سفر به ترکیه این تفکر را تقویت کرد. ترتیب دادن این سفر و دعوت مصطفی کمال از رضاشاه برای دیدار چند روزه از ترکیه جدید، به سیر دین‌زدایی در ایران سرعت بخشید (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۲۴-۲۵).

۲.۲. تظاهر رضاشاه به دین‌داری

رضاشاه، در زمان نخست‌وزیری خود، همواره می‌کوشید با تظاهر به دین‌داری حمایت عامه مردم و روحانیون را به دست آورد. او خود را در نظر سایرین، مردی متدین و مدافع شریعت معرفی می‌کرد. او از این طریق توانست حمایت گروه‌هایی از مردم را به خود جلب کند. بخشی از مردم، دین‌داری وی را باور کردند و به حمایت از او برخاستند. همین امر، یکی از زمینه‌های داخلی توفیق رضاشاه در رسیدن به قدرت بود. اما زمانی

که وی به سلطنت رسید، نقاب طرفداری از دین را از چهره برداشت و باصراحت، مذهب را مغایر با ترقی و تجدد معرفی کرد. با این حال، مردم هرگز تصور نمی‌کردند رضاشاه به برداشتن حجاب زنان، که جزئی جدانشدنی از اصول دین اسلام بود، دست بزند (حیدریان، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

۳.۲. مسافرت خارجی تجار و اشراف زادگان

عامل دیگری که زمینه را برای اجرای طرح کشف حجاب آماده کرد، بازگشت اشراف زادگان ایرانی از کشورهای اروپایی است. آشنایی این افراد-که برای تحصیل و کسب علوم و فنون غرب به اروپا عزیمت کرده بودند- با نوع زندگی و فرهنگ مردم آن دیار و بازگشت آنان به ایران، زمینه مساعدی در طبقه اشراف جامعه شهری برای اجرای سیاست کشف حجاب فراهم کرد. برداشتهای اشتباه اغلب تحصیل کرده‌های اروپا باعث شد که پس از بازگشت به ایران در جایگاه قشر روشنفکر جامعه ظاهر شوند و خواسته یا ناخواسته در جهت اجرای این سیاست قدم بردارند. وجه مشترک بیشتر آنان ضدیت با دین بود. این عقیده، در نتیجه مشاهده پیشرفت‌های کشورهای اروپایی پس از دوران اصلاح مذهبی و جدا شدن علم و زندگی روزمره از آموزه‌های دینی در آنها ایجاد شده بود. این افراد، دیدگاه‌هایی در مورد اصل آزادی زنان و فکر تشبه به غرب را همراه خود به ایران آورده بودند و اغلب عقب‌ماندگی ایران را حاصل دوری مردم از فرهنگ متجدد اروپا می‌دانستند و بر این عقیده بودند که ایران برای رسیدن به پیشرفت و ترقی باید از اروپا تقلید کند تا زمینه‌ای مساعد برای پیشرفت آن حاصل شود (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۳۰).

۴.۲. انتشار روزنامه‌های متأثر از غرب

انتشار روزنامه‌های متأثر از غرب نیز در اجرای سیاست کشف حجاب تأثیر فراوانی داشت. در ابتدا، روزنامه، به منظور آگاهی مردم از مسائل روز و رفع قسمتی از عقب‌ماندگی‌ها و کاستی‌های اطلاع‌رسانی در ایران ایجاد شد؛ ولی به مرور زمان، به صورت ابزاری در جهت اهداف صاحبان ثروت در دست قدرتمندان قرار گرفت. همان‌گونه که در غرب صاحبان روزنامه‌ها اغلب سرمایه‌داران و صاحبان صنایع بودند، در ایران نیز تلاش می‌شد از طریق چاپ مطالب گوناگون در مطبوعات، نوع تفکرات مردم را در جهت منافع دلخواه سوق دهند. بیشتر کسانی که صاحب امتیاز روزنامه‌ها بودند یا مطالب خود را در آن چاپ می‌کردند، مدتی را در اروپا گذرانده بودند. این افراد، به منظور آشنایی مردم با تفکرات غربی در مطبوعات مطالبی می‌نوشتند (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۳۴-۳۵).

۵.۲. توسعه مدارس خارجی در داخل کشور

عامل دیگر در زمینه‌سازی کشف حجاب، حضور میسیونرهای مذهبی و تأسیس مدارس



خارجی بود. آموزش دانش‌آموزان در مدارس مسیحی، که زیر نظر مستقیم افراد خارجی اداره می‌شد، نسل جدید را به طور تدریجی از تعالیم مذهبی و ملی دور می‌کرد. میسیونرهای مسیحی، افرادی بودند که وظیفه تبلیغ دین مسیحیت را در نقاط مختلف جهان برعهده داشتند. استعمارگران غربی، از بیشتر این افراد، برای تحکیم سلطه خود در مستعمرات استفاده می‌کردند. تعلیم و تربیت دختران در این مدارس، کاملاً با شیوه‌های تربیتی سنتی تفاوت داشت. معلمان نیز که الگوهای رفتاری برای دانش‌آموزان بودند، سبب رواج بیشتر لوازم و لباس‌های اروپایی‌ها می‌شدند. کسانی که در این مدارس آموزش می‌دیدند راحت‌تر از سایرین می‌توانستند رفع حجاب و جدا شدن از سنن پیشین را بپذیرند (حیدریان، ۱۳۷۹، ص ۳۷).

پیامدها و نتایج کشف حجاب

۱. مخالفت روحانیون

علماء، در مقابل کشف حجاب واکنش نشان دادند و حاضر بودند از جان خود بگذرند. نمونه آن اقدام آیت‌الله بافقی است که به شکنجه و تبعید وی از قم انجامید. در عید نوروز ۱۳۰۶، خانواده رضاشاه بدون حجاب کامل به زیارت حضرت معصومه رفتند. این عمل و جسارت، سبب خشم مردم شد و روحانی‌ای به نام «واعظ» مردم را به امر به معروف و نهی از منکر فرا خواند. این خبر به شیخ محمدتقی بافقی (از روحانیون قم) رسید و ایشان نخست به خانواده رضاشاه پیام داد که اگر مسلمان هستید نباید در این مکان با این وضع حضور یابید و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید در این مکان حضور یابید. پیام، مؤثر واقع نشد و بافقی شخصاً به حرم آمد و به خانواده شاه اخطار داد. رضاشاه با اطلاع از این جریان شخصاً به قم رفت و با چکمه وارد صحن مطهر شد و بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد. رضاشاه، از رئیس‌نظمیه، بافقی را خواست و رئیس‌نظمیه اظهار کرد که او فرار کرده است. به محض اینکه این جمله را گفت شاه با عصا به وی حمله کرد و او را مورد ضرب و شتم جدی قرار داد و دستور داد او را به زندان انتقال دهند (<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=36495-ftn31>) فردوست، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰).

۲. مخالفت‌های اجتماعی

به دلیل ریشه‌دار بودن تفکرات دینی و حضور طولانی‌مدت مذهب در ایران، سیاست اسلام‌زدایی با مقاومت اجتماعی مواجه شد و در پی اجرای مقدمات طرح کشف حجاب، نخستین واکنش از سوی علمای شیراز صورت گرفت. علما، پس از دریافت گزارش چگونگی برگزاری مراسم جشن در مدرسه دخترانه شیراز تصمیم گرفتند، مخالفت خود را بیان کنند تا از

اعمال مشابه در سایر نقاط ایران جلوگیری شود. آنها، طی تلگرافی به شاه، اعتراض رسمی خود را اعلام کردند. - <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=36495> (ftn29) (حیدریان، ۱۳۷۹، صص ۷۶-۷۷).

حکومت، قانون کشف حجاب را پیش از اعلام رسمی آن در ۱۷ دی ۱۳۱۴، به ولایت ابلاغ کرده بود. این قانون در مرحله اجرا با مقاومت های خونینی روبرو شد. آیت الله قمی، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله سید یونس اردبیلی، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله حجت کوه کمره ای و آیت الله میرزا محمد آقازاده از جمله مراجع و علمای سرشناس بودند که نسبت به اقدامات رضاشاه در ترویج بی حجابی اعتراض کردند. برخی از روحانیون نیز در اعتراض به کشف حجاب تبعید شدند.

۳. مخالفت های زنان و اعتراض آنها

در نتیجه اقدامات رضاشاه، اگرچه از لحاظ مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، اشتغال، و ورودشان به قلمروهای آموزشی پیشرفت هایی حاصل شد؛ این پیشرفت ها در محدوده های خاص و در مقایسه با مردان و شرایط طبقاتی به تضاد بستگی داشت. از جنبه حقوقی هم تغییراتی صورت پذیرفت، اما تغییر بنیادین در وضعیت قانونی زنان، به ویژه در امر ازدواج، ایجاد نشد. قانون هنوز هم در امور مهم مردان را برتر می دانست. مردان، هنوز امتیاز داشتن چهار همسر در یک زمان و طلاق آنها را به اراده خود داشتند. افزون بر این، سرپرست قانونی خانواده مرد بود و مردان از حقوق ارثی بیشتری برخوردار بودند. اما زنان همچنان از حق رأی و نامزدی در انتخابات عمومی محروم بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷، صص ۱۷۹-۱۸۰). همراه با بی حجابی، مناسبات متقابل اجتماعی و تعامل میان زنان و مردان در مجامع عمومی افزایش یافت و در میان زنان طبقات متوسط و بالا، مدهای اروپایی و آرایش به سبک اروپایی ها رواج یافت. این دوره، دوره رونق کار خیاطی ها و سلمانی های زنانه بود. البته انتشارات دولتی تحت تأثیر روحیه ملی گرایی حاکم بر آن دوره تأکید می کرد که بهترین و زیباترین لباس ها و لوازم آرایش زنانه در ایران و در کارخانه های وطنی ساخته می شود. به هر حال، در زمان رضاشاه موانع عمده پیشرفت زنان برطرف نشد و هرچه دولت متجدد رضاشاه نیرومندتر شد نهضت مستقل زنان ایران ضعیف تر گردید (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲).

ارزش های تحمیلی در مورد سبک پوشش دوران رضاشاه، به دلیل ناهمخوانی با محیط، مشکلات عدیده ای را برای زنان به همراه داشت. لباس جدید، نوآوری و بدعت کاملی برای زنان شهری بود. همین بدعت گذاری ارزشی و هراسی که دولت از عدم تابعیت مردم داشت، زمینه ساز صدور بخشنامه های تهدیدکننده از سوی دولت شد تا با اعمال زور و خشونت،



شرایط لازم برای تثبیت ارزش‌های تحمیلی آماده شود (شریعت پناهی، ۱۳۷۲، صص ۳۰۶ - ۳۲۰). تعارض ارزشی - محیطی در آن دوره به گونه‌ای بود که حتی کارگزار این بدعت‌گذاری، یعنی رضاشاه، قلباً و در درون از این امر ناخشنود و مضطرب بود. اشرف پهلوی در این زمینه می‌نویسد: «به عنوان یک مرد هرچه به همسر و خانواده‌اش مربوط می‌شد یک موضوع خصوصی بود. پدرم در خانه یک مرد تمام‌عیار نسل گذشته بود. به یاد دارم یک‌بار که با پیراهن بی‌آستین سر میز نهار آمده بودم، دستور داد فوراً لباسم را عوض کنم. او به عنوان شاه خود را آماده کرده بود احساسات نیرومند شخصی خود را به سود پیشرفت کشور خود کنار بگذارد. وقتی تصمیمش را گرفت، نزد ما آمد و گفت: این سخت‌ترین کاری است که در عمرم کرده‌ام، اما باید از شما بخواهم که سرمشق خوبی برای سایر زنان ایران باشید (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹).

۴. تأثیر اجتماعی

در ایران نیز همانند ترکیه، این تحولات شتابان و بدون تعمق صورت گرفت و با گذشت زمان به صورت تقلیدی از غرب ظاهر و از سوی جامعه با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد. اصلاحات ظاهری رضاشاه و اعمال خشونت‌آمیز وی در راه اجرای برنامه‌های اصلاحی‌اش موجبات نارضایتی و بیزاری مردم را فراهم آورد. این اقدامات، که با هدف رهایی و آزادی زنان و حضور آنان در صحنه اجتماع صورت می‌گرفت، فقط مورد استقبال برخی زنان طبقه متوسط و بالای جامعه قرار گرفت. در مواردی، این تغییرات، حتی نتیجه معکوس به بار آورد و به جای اینکه به رهایی زنان بینجامد سبب مهجوریت زنان شد. در شهرهای مذهبی، مثل قم، و در میان خانواده‌های سنتی، اجباری شدن بی‌حجابی، به محرومیت دختران از تحصیل انجامید. بسیاری از زنان، به علت برخوردهای خشونت‌آمیز مأموران، در خانه ماندند و فقط برای مسائل ضروری از خانه خارج می‌شدند (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۳۲۰).

۵. تأثیر خارجی

یکی دیگر از پیامدهای کشف حجاب گسترش دخالت انگلیس در امور داخلی ایران بود. یکی دیگر از پیامدهای ممنوعیت حجاب، ایجاد تنش‌های دیپلماتیک میان ایران و انگلیس بود. مقامات انگلیس از حق زنان مسلمان هندی برای داشتن حجاب دفاع می‌کردند. همچنین، در چگونگی رفتار دولت ایران با زائران افغانی در مشهد نیز درسهایی پیش آوردند؛ چراکه زنان افغانی از ممنوعیت حجاب معاف شده بودند، اما تشخیص و شناسایی آنان از زنان ایرانی کار دشواری بود و معضلاتی ایجاد می‌کرد (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۳۰۴). برخی جامعه‌شناسان،



که در مسائل اجتماعی ایران مطالعاتی انجام داده‌اند، اظهار می‌کنند که در دوران رضاشاه، به دلیل اتخاذ ارزش‌های غربی در مدرنیته کردن اجباری کشور، میان ارزش‌های غربی و ارزش‌های اسلامی-ایرانی، چالشی به وجود آمد که جامعه را با بحران هویتی مواجه کرد (معید فر، ۱۳۷۹، صص ۱۸۶-۱۸۷). البته، تردیدی نیست که تبادل فرهنگی میان نظام‌های اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما نوع رویکرد و شیوه اقتباس عناصر جدید در کاستن از تنش‌های فرهنگی نقشی تعیین‌کننده دارد. با توجه به بافت سنتی تفکر رضاشاه، و به‌ویژه ناهمخوانی ارزش‌های غربی با محیط فرهنگی ایرانی، باید گفت حرکت رضاشاه اقدامی شبه‌مدرنیستی و برخاسته از احساس حقارت در برابر اروپایی‌ها بود. مخبرالسلطنه (هدایت)، در خاطراتش درباره دلیل تغییر لباس و کلاه، از قول رضاشاه می‌نویسد: «آخر می‌خواهم هم‌رنگ اروپاییان شوم که ما را مسخره نکنند. گفتم البته مصلحتی در نظر گرفته‌اند. در دلم گفتم زیر کلاه است که مسخره می‌کنند و تقلیدهای بی‌حکمت» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۴۴۶). کشف حجاب در ایران پیامدهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی داشت که باعث محرومیت بیشتر زنان از صحنه اجتماع شد.

نتیجه‌گیری

کشف حجاب در ایران، پدیده‌ای ناشی از آشنایی با غرب و تجددخواهی افرادی بود که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند و می‌کوشیدند زنان ایرانی را نیز مانند زنان اروپایی، بعد از رنسانس، بدون حجاب و نیمه‌عریان سازند و البته لباس مردان را نیز تغییر دهند. با توجه به مطالبی که در این پژوهش مطرح شد، ریشه کشف حجاب به تحولات گسترده در ایران از زمان ناصرالدین شاه و محافل روشنفکری برمی‌گردد اما رسمیت یافتن آن به دوره رضاشاه پهلوی باز می‌گردد. رضاشاه، که پیش از رسیدن به مقام پادشاهی، خود را فردی دیندار و پایبند به اصول مذهب نشان داده بود؛ پس از به قدرت رسیدن، به نام تجددگرایی، تضعیف ارزش‌های دینی را سرلوحه برنامه‌های نوسازی فرهنگی خود قرار داد. کشف حجاب یکی از برنامه‌های مهم این دوره بود و هرچند کشف حجاب به نام رضاشاه تمام شد، ولی نمی‌توان آن را محصول دست یک نفر دانست، بلکه محصولی از عوامل داخلی و خارجی است و رضاشاه تنها عامل و مجری این پدیده بود. در سال ۱۳۱۳، رضاشاه سفری به ترکیه داشت و در آنجا به شدت تحت تأثیر اقدامات کمال‌پاشا (آتاتورک) قرار گرفت و رمز ترقی و پیشرفت کشور را در تغییر رفع حجاب از زنان دید. با آغاز سال ۱۳۱۴، تبلیغات حکومتی در مورد کشف حجاب به اوج خود رسید. با وجود تمام تبلیغات و اقدامات مردم ایران در مقابل تغییر پوشش مقاومت ورزیدند. برنامه کشف حجاب همچنین با مخالفت‌های گسترده‌ای از



سوی روحانیون مواجه شد با این حال حادثه مسجد گوهر شاد اگر چه کمی قبل از الزامی شدن قانون کشف حجاب به وقوع پیوست اما نشان از نگرانی مردم بود که بعد از اتحاد البسه نوبت کشف حجاب بانوان است. این حادثه که یک‌سال پس از بازگشت رضاشاه از سفر به ترکیه و مشاهدات وی در مورد بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان ترکیه به وقوع پیوسته بود، از یک‌سو حکایت از تأثیر بی‌چون‌وچرای رضاشاه از فرهنگ غربی داشت؛ و از سوی دیگر، از تعارض این فرهنگ با فرهنگ اسلامی جامعه ایران و عدم پذیرش موازین غیر شرعی توسط مردم نیز خبر می‌داد.

برنامه کشف حجاب رضا شاه همچنین با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی روحانیون مواجه شد که این اعتراضات پس از بازگشت رضاشاه از سفر به ترکیه گسترش یافت و در برابر سیاست‌های ضد دینی پهلوی اول همچون کشف حجاب، جدایی دین از سیاست، رواج فرهنگ اروپایی در ایران، و اهانت به روحانیت موضع‌گیری کردند. پس از سقوط رضاشاه، قاعده یکسانی در خصوص کشف حجاب و اتحاد شکل لباس وجود نداشت. اما لزوم پاسخ به مطالبات و افکار عمومی، مقامات را به عقب نشینی واداشت. در مجموع، می‌توان فرضیه خود را چنین اثبات کرد که واقعه کشف حجاب در دوران پهلوی از یک‌سو حکایت از بحران حقوقی زنان در جامعه سنتی ایران داشت و از سوی دیگر زنان را به عنوان عناصر و ابزار نوگرایی رژیم درآورد. کشف حجاب، فقط مورد استقبال برخی زنان طبقه متوسط و بالای جامعه قرار گرفت. در مواردی این تغییرات حتی نتیجه معکوس به بار آورد و به جای اینکه به رهایی زنان بینجامد، سبب مهجوریت زنان شد و شورش‌هایی را به وجود آورد. کشف حجاب در ایران تا زمان محمد رضاشاه ادامه یافت. اگرچه در این دوره مانند دوره رضاشاه با خشونت و اجبار همراه نبود ولی با استفاده از ابزارهای تبلیغی به شدت دنبال می‌شد. مهمترین استدلال در این که چرا پهلوی دوم در برابر فرهنگ اسلامی مردم کوتاه آمد و سرانجام کشف حجاب نیز مانند دیگر اصلاحات رضا شاهی دوامی نیاورد را باید در عدم همراهی مردم، مقاومت گسترده زنان و مخالفت‌های روحانیون یافت.

در جریان مبارزات انقلاب اسلامی نیز عملاً موضوع حجاب به یکی از مهم‌ترین خواست‌های انقلابیون تبدیل شد و این به دلیل حضور پررنگ زنان محجبه در انقلاب اسلامی بود که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب هم به نحو گسترده‌تر ادامه یافت. آنچه ذکر شد نشان می‌دهد که کشف حجاب نتوانست به عنوان عامل غربزدگی در ایران عمل کند و دوام بیاورد، بلکه خود زمینه شورش و تظاهرات علیه رژیم را گسترده‌تر کرد.

منبع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب* (احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نشر نی.
- آوری، پیتز (۱۳۶۷). *تاریخ معاصر ایران* (ج ۲). (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: عطایی.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۵). *تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه* (مهدی حقیقت‌خواه، مترجم). تهران: ققنوس.
- استاد ملک، فاطمه (۱۳۶۸). *حجاب و کشف حجاب در ایران*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۵۶). *کتاب خاطرات من*. تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *داستان حجاب و ایران پیش از انقلاب*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفری، مرتضی (۱۳۷۱). *واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهشی و مطالعاتی فرهنگی، سند شماره ۲۲۲.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۵۵). *سی‌خاطره از عصر فرخنده پهلوی*. تهران: وحید.
- حیدریان، فاطمه (۱۳۷۹). *کشف حجاب به روایت اسناد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۳). *تاریخ تمدن* (ج ۱۲). (عباس زریاب خوبی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). *حیات یحیی*. تهران: بی‌نا.
- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۷۱). *واقعه کشف حجاب*. تهران: سازماندهی مدارک علمی.
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). *جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی نخست)*. تهران: قصیده سرا.
- صدر، محسن (۱۳۶۴). *خاطرات صدرالاشرف*. تهران: وحید.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۵). *رضاشاه کبیر در آینه خاطرات*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- صلاح، مهدی (۱۳۸۴). *کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۱). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی* (ج ۱). تهران: اطلاعات.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۵). *رضاشاه در آینه خاطرات*. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی* (حسن افشار، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۶۸). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی* (محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- کرونین، استفان (۱۳۸۳). *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، دولت و جامعه در دوران رضاشاه* (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران: جامی.
- گرامی، محمدعلی (بی‌تا). *تاریخ رضاشاه کبیر* (ج ۱). شیراز: کوروش.
- گنجینه اسناد*، (۱۳۷۰)، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.



- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). *تاریخ سیاسی معاصر ایران* (ج ۱). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مسئله حجاب*. تهران: صدرا.
معیدفر، سعید (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران*. تهران: سرزمین ما.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (ج ۱۴). تهران: دارالکتب اسلامی.
مکی، حسین (۱۳۵۷). *تاریخ بیست ساله ایران* (ج ۶). تهران: امیرکبیر.
_____ (۱۳۶۳). *تاریخ بیست ساله ایران* (ج ۱). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
_____ (۱۳۶۴). *تاریخ بیست ساله ایران*. تهران: امیرکبیر.
مؤسسه قدر ولایت (۱۳۷۳). *حکایت کشف حجاب*. تهران: واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
هدایت، مهدی قلی‌خان (فخرالسلطنه) (۱۳۵۷). *خاطرات و خطرات*. تهران: انتشارات زوار.
همفر، (۱۳۷۷) *خاطرات همفر جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی* (محسن مؤیدی، مترجم). تهران: امیر
کبیر.
واحد، سینا (۱۳۶۶). *قیام گوهرشاد*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
_____ (۱۳۶۱). *قره‌العین در آمدی بر تاریخ بی‌حجابی ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

منابع عربی

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۵). *کتاب العین*. قم: دارالهیجره.
طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مکتبه‌المترضویه.
طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (۱۳۸۶). *الاحتجاج* (ج ۱). بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

